

# نکاتی درباره تربیت کودک



(به مناسبت روز جهانی کودک)

طه تهامی

## آغاز سخن

موضوع عربی تربیت فرزند، از دیرباز جزء موضوعات اساسی و بنیادی اسلام بوده و در دنیای امروز با توسعه و رشد مهارت‌ناپذیر تکنولوژی نیز در عصر اطلاعات و فناوری و رویکرد دوباره بشر به مسئله دین و تربیت الهی، همچنان چشم‌گیر می‌باشد. تنها ارمانی که گریز از دین و روی آوردن به علوم تجربی و پیشرفتهای تکنولوژیکی، پس از دوره رنسانس و آغاز قرون جدید، برای بشر بر جای گذاشت، از هم گسیختگی بنیان خانواده و فروپاشی نظام اخلاقی در

## جوامع بشری بود.

بشر سرخورده غربی که سالها یوغ بردگی کلیسا را بر گردن خود کشیده بود، فراری پر شتاب را از دین آغاز کرد و دیوانه‌وار برای فرو نشانیدن عطش دنیاگرایی و رفاه خود، در تکاپو افتاد؛ اما هر چه بیشتر جستجو کرد، کمتر یافت و امروز، خسته و سرگردان به دنبال راه حلی برای دست‌یابی به آرامشی ساده و به دور از وهم و خیال می‌گردد. او که می‌پنداشت با دوری از دین به آرامش روانی می‌رسد و آن را در بالا بردن سطح بهره‌برداری از امکانات و رفاه دنیایی جستجو

می‌کرد، با جامی تهی فرو ماند؛ ولی اکنون، آزادی و آرامش واقعی خود را در دین و پیروی از آموزه‌های آن یافته و تحولات چند دهه اخیر، سند گویایی بر اثبات این ادعاست.

امروزه حتی زن و شوهر غربی هم به خوبی دریافته‌اند که نیازهای روحی فرزندشان را دریای طوفان‌زای بازیهای رایانه‌ای، سایتهای سرگرمی، چتهای اینترنتی، تلویزیون، سینما، و... حتی به اندازه قطره‌ای از زلال تربیت صحیح، سیراب نمی‌کند و بنیان خانواده را اکسیری جز تربیت صحیح فرزند، استوار نخواهد کرد و خود اقرار می‌کنند که «تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی متوجه گردد و تفاهم و اغماض و مودت را بین کلیه ملل و دسته‌های نژادی و مذهبی به وجود آورد و موجب پیشرفت فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح و امنیت و ثبات شود.»<sup>۱</sup>

اما ناگفته پیداست که دولتها و متولیان فرهنگی آنان کوچک‌ترین

گامی در زمینه رشد و تربیت صحیح کودکان برنداشته‌اند و روز جهانی کودک تنها بهانه‌ای تبلیغاتی برای آنان به شمار می‌رود؛ چرا که آشکارا اقدامات ضد تربیتی آنان در قبال کودکان معصوم ملت خودشان مشهود است. و این سؤال را به ذهن می‌آورد که آنان چگونه به خود اجازه می‌دهند علی‌رغم وجود آزادی فروش اسلحه به کودکان دبستانی، آموزش همجنس‌بازی در مدارس، اشتغال کودکان، قاچاق کودکان دختر و پسر زیر دوازده سال، و... همچنان دم از «روز جهانی کودک» بزنند!

نوشتار حاضر، بر آن است تا نگاهی کوتاه به تربیت دینی کودک در روایات اسلامی، داشته باشد.

#### ضرورت تربیت فرزند از منظر

##### اهل بیت علیهم‌السلام

تربیت، عبارت از مجموعه روشها و راهکارهایی است که از آغاز زندگی انسان، بلکه پیش از آن به کار

۱. بند ۲ از ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، برگرفته از: تربیت اسلامی، جمعی از نویسندگان، قم، کتاب دوم، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۰۴.

نیز دیده شده که از گفتن نام اصلی خود، به دلیل سبک و سخیف بودن، پرهیز می‌کنند.

چون شکوه و جلال مسلمانان، موضوعی است که اسلام بدان توجه ویژه دارد، آنان را از نامگذاریهای ناشایست و غیر متین برای فرزندان، باز داشته است. حتی از آن، به «حقی مسلم بر گردن پدر و مادر» تعبیر شده است. موسی بن بکر از امام کاظم علیه السلام روایت می‌کند:

«أَوَّلُ مَا يَبْرُؤُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنِ فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ؛<sup>۱</sup> نخستین کار نیکی که شخص برای فرزندش انجام می‌دهد، این است که نام نیکو بر او بگذارد. پس شایسته است هر یک از شما، نام فرزند خود را نیکو قرار دهد.»  
همچنین روایت شده که فردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و پرسید: ای

گرفته می‌شود تا در مسیر صحیح رشد و ترقی قرار گیرد و در پرتو این آموزشها، بتواند از انحراف جلوگیری کند و راه سعادت و کمال را در پیش گیرد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْوَلَدُ الصَّالِحُ زِينَةٌ مِنْ رَبَائِحِ الْجَنَّةِ؛<sup>۱</sup> فرزند صالح، گلی است از بوستان بهشت.» همچنین فرمودند: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ؛<sup>۲</sup> فرزند صالح، نشانه خوشبختی مرد است.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «مِيرَاثُ اللَّهِ مِنْ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْوَلَدُ الصَّالِحُ؛<sup>۳</sup> میراث خداوند به بنده مؤمنش، فرزند صالح است.»

### اثر تربیتی نام‌گذاری شایسته

مسئله حائز اهمیتی که در تربیت فرزند نیز بدون نقش نیست، انتخاب نام شایسته برای کودک است؛ زیرا نام‌گذاری شایسته در شکل‌گیری شخصیت فرزند در بزرگسالی، دارای نقش ویژه‌ای است. بسیاری از افراد هستند که در بزرگسالی، نام خود را به جهت عدم برازندگی تغییر می‌دهند و حتی در برخی از جوانان و یا نوجوانان

۱. وسائل الشیعة، الشیخ حرّ العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۵، ص ۹۷.  
۲. همان.

۳. همان، ص ۹۸.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۱۲۲؛ الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۸۶.

غیب‌گویی امام [آن طفل در گهواره] شگفت زده شدم؛ چرا که نام دخترم را حمیراء گذاشته بودم. امام فرمود: دستوره‌ای فرزندم [موسی بن جعفر] را مورد پیروی و اطاعت قرار ده تا رستگار شوی! من نیز نام دخترم را تغییر دادم.<sup>۴</sup>

حال بینیم در مرام اهل بیت عصمت علیهم‌السلام نام‌گذاریها به چه شکل بوده است. عبد الرحمن بن محمد می‌گوید: معاویه، مروان بن حکم را بر مدینه گماشته و به او دستور داده بود تا نسبت به جوانان بنی هاشم سخت‌گیری کند. روزی امام سجاد علیه‌السلام نزد مروان فرا خوانده شد. مروان از او پرسید: اسمت چیست؟ فرمود: علی بن الحسین. او با اینکه می‌دانست، دو باره پرسید: نام برادرت چیست؟ امام پاسخ داد: علی. مروان پوزخندی زد و به طعنه گفت: علی و علی [چند علی در

رسول خدا! حق فرزندم بر من چیست؟ فرمود: «نام و تربیتش را نیکو کنی و او را در محیطی خوب پرورش دهی.»<sup>۱</sup> امام صادق علیه‌السلام در سخنی فراگیر و کامل در پاسخ ابن حمید، که برای مشورت در مورد انتخاب نامی برای فرزندش شرفیاب شده بود، فرمودند: «از نامهایی که بندگی خدای را می‌رساند، بر او بگذار.»<sup>۲</sup>

گذشته از این مطلب، احادیثی موجود است که مبتنی بر تغییر برخی نامها توسط اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد که آنان، این گونه ناخرسندی خود را از گذاشتن این دسته نامها اعلام داشته‌اند؛ آن سان که آورده‌اند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نام افراد و اماکنی که زیننده نبود، تغییر می‌دادند.<sup>۳</sup>

یعقوب سراج می‌گوید: روزی نزد امام صادق علیه‌السلام رفتم و دیدم نزدیک گهواره فرزندش موسی علیه‌السلام ایستاده است. سلام کردم، امام پاسخ داد... و سپس امام کاظم علیه‌السلام فرمود: «برو و اسمی را که دیروز برای دخترت نهاده‌ای، تغییر ده! زیرا آن اسم را خداوند دوست ندارد.» من از

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۲۴.

۲. همان، ص ۱۲۵؛ الفروع من الکافی، ج ۲، ص

۸۶

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۲۲.

۴. همان، ص ۱۲۳.

اهل بیت علیهم السلام به گونه‌ای بود که امام کاظم علیه السلام نام چهار دختر خود را فاطمه گذاشتند: فاطمه کبری، فاطمه وسطی، فاطمه صغری و فاطمه آخری که به فواطم اربعه شهرت یافتند.<sup>۴</sup>

امام رضا علیه السلام نیز فرمودند: «لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ... أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ»<sup>۵</sup> در خانه‌ای که نام محمد یا... باشد یا نام یکی از زنان فاطمه باشد، فقر داخل نمی‌شود.

این ویژگی در خانواده امام حسین علیه السلام نیز دیده می‌شود و فاطمه کبری و فاطمه صغری از دختران او به شمار می‌روند.<sup>۶</sup> این، در حالی بود که فضای سرکوب شیعیان، بر جامعه

یک خانواده! پدرت چه در سر داشته که نام همه شما را «علی» گذاشته است! امام، نزد پدر بزرگوارش امام حسین علیه السلام رفت و جریان را باز گفت. امام حسین علیه السلام فرمود:

«وای بر پسر زین چشم‌آبی دب‌آغ! اگر خداوند به من صد پسر هم عنایت کند، دوست دارم نام همگی آنان را علی بگذارم.»<sup>۱</sup> و نیز در بزرگداشت نام «فاطمه» از امام صادق علیه السلام روایت شده که وقتی سکونی (که از اصحاب آن حضرت بود) نزد ایشان آمد و عرض کرد که خداوند به او دختری عنایت کرده و او نیز نامش را فاطمه نهاده است، امام با شنیدن نام فاطمه، منقلب شد، سر را پایین انداخت، دست بر پیشانی گذاشت و چند بار این نام را زمزمه کرد و سپس فرمود:

«آه، آه، آه! حال که نام او را فاطمه نامیدی، او را ناسزا نگو و کتک نزن!»<sup>۲</sup>

همچنین امیر المؤمنین علیه السلام با اینکه نام مادر و همسرشان فاطمه علیه السلام بود، نام یکی از دختران خود را نیز فاطمه نهادند.<sup>۳</sup> و نیز نگاشته‌اند که شدت علاقه به حضرت زهراء علیه السلام در

۱. همان، ص ۱۲۸؛ الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۸۶

۲. الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۴۸.

۳. الارشاد، محمد بن محمد بن محمد بن نعمان الشیخ المفید، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۲۱۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۳۴۴؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۸، ص ۳۱۷؛ تذکرة الخواص، ابن الجوزی، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، بی‌تا، ص ۳۱۵.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۹.

۶. تذکرة الخواص، ص ۲۷۸.

کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. از این رو، در تربیت تو شتاب کردم پیش از آنکه دل تو سخت شود و اندیشه‌ات [به چیز دیگری] مشغول گردد تا به استقبال کارهایی بشتابی که صاحبان تجربه، زحمت آزمودن آن را کشیده‌اند و تو را از تلاش و یافتن بی‌نیاز ساخته‌اند.»

و رسول خدا ﷺ نیز در این خصوص می‌فرماید: «مَنْ رَبَّى صَغِيرًا حَتَّى يَقُولَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَمْ يُحَاسِبْنَهُ اللَّهُ؛<sup>۱</sup> هر کس کودکی را تربیت کند تا بگوید: لا اله الا الله، خداوند از او حساب نخواهد کشید.»

### ضرورت مهرورزی و توجه به عواطف کودکان

رشد معنوی و تربیت اخلاقی، مستلزم پرورش سالم عواطف کودک است و بخش مهمی از وظیفه و مسئولیت سنگین تربیت فرزند را بر دوش پدر و مادر می‌گذارد. در این

حاکم شده و رعب و وحشت بر سر آنان که نام فرزندان خود را به نام علی و فاطمه می‌نهادند، سایه افکنده بود. امام حسین علیه السلام نیز در این فضای تهدید و ارباب، دست به مبارزه‌ای آشکار زد و با این نام‌گذاری به پاسداشت جایگاه و احترام این دو دُر دانه آفرینش برخاست.

### لزوم تربیت فرزند از سنین

#### کودکی

همان گونه که کارشناسان تربیت کودک بدان اذعان دارند، بهترین دوره برای تربیت، دوران کودکی است؛ زیرا در این سنین، حس تقلید و نیز حس پذیرش آموزه‌های تربیتی، در سطح بالایی از توانمندی قرار دارد و کودک به خوبی آنچه را که به او آموخته شود، فرا می‌گیرد. امیر المؤمنین علیه السلام در این باره به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ وَيَسْتَعِيلَ لُبُّكَ لِمَسْتَقْبَلِ بَعْثٍ رَأَيْكَ مِنَ الْأَمْرِ مَا قَدْ كَفَاكَ أَهْلَ التَّجَارِبِ بِمُعِينَتِهِ وَتَجْرِبَتِهِ؛<sup>۱</sup> قلب کودک همانند زمین

۱. نهج البلاغه (دستی)، نامه ۳۱، ص ۵۲۲.

۲. ارشاد القلوب الى الصواب، ابو محمد حسن الدیلمی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۲۵.

است؛ چنان که نوشته‌اند: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشغول خواندن نماز ظهر [به جماعت] بودند؛ ولی مردم دیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت پایانی نماز را سریع‌تر به جای آوردند (و مستحبات را کنار گذاشتند). وقتی که نماز تمام شد، مردم با خود گفتند: آیا در اثناء نماز اتفافی افتاد [که پیامبر صلی الله علیه و آله نماز را سریع‌تر خواندند]؟ پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ داد: مگر شما صدای گریه و فریاد کودک را نشنیدید! من نماز را تندتر خواندم تا زودتر آن کودک را آرام سازند.<sup>۵</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله حتی گاهی با کودکان بازی می‌کردند و می‌فرمودند: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ؛<sup>۶</sup> هر کس در نزد او کودکی باشد، باید خود را برای او به کودکی بزند (با او بازی کند).»

**رعایت حدود محبت و اظهار علاقه**  
با اینکه در اسلام سفارش فراوانی

زمینه نیز روایات بسیاری وارد شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَسِدَّةٍ حُبِّهِ لَوْلَا؛<sup>۱</sup> همانا پروردگار، بنده را به دلیل زیادی مهرورزی نسبت به کودک خود می‌بخشاید.» همچنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۲</sup> هر کس فرزند خود را ببوسد، خدا بر او پاداشی می‌نویسد و هر کس فرزندش را خوشحال کند، خدا او را در روز رستاخیز شاد می‌گرداند.»

و در جای دیگری فرمودند:

«أَجِبُوا الصَّبِيَّانَ وَأَرْحَمُوهُم؛<sup>۳</sup> کودکان را دوست بدارید و به آنان مهرورزی کنید!»

نوشته‌اند که روزی مردی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! من ده فرزند دارم، ولی هرگز کودکم را نبوسیده‌ام. حضرت فرمود: کسی که رحم نکند، [مورد] رحم [واقع] نمی‌شود.<sup>۴</sup>

همچنین داستانهای زیادی از محبت ایشان به کودکان وارد شده

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۳.

۲. همان، ص ۴۷۵.

۳. همان، ص ۴۸۳.

۴. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۳.

۵. همان، ص ۱۹۸؛ الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۹۴.

۶. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۱۳.

مادر [در انجام وظیفه، کاری کند که] به عاق والدین دچار شود.»

### توجه عاطفی بیشتر به دختر

اسلام بین دختر و پسر تفاوت نمی‌گذارد و ملاک برتری را در «تقوا» می‌داند؛ چرا که پسر شدن نوزاد، در اختیار کسی نیست و خداوند است که به هر کس بخواهد، دختر و به هر کس که خواست، پسر می‌دهد. مهم، این است که فرزند، «سالم و صالح» باشد. قرآن کریم می‌فرماید:

«يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَوْرَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيْمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيْرٌ»<sup>۲</sup> «خداوند به هر که بخواهد، دختر و به هر که بخواهد، پسر می‌دهد و یا پسر و دختر را با هم به وی عطا می‌کند و آن که را بخواهد، نازا می‌کند. به درستی که او دانای تواناست.»

مبنی به اظهار علاقه نسبت به کودکان شده است، اما این مهرورزی و علاقه نباید مصالح واقعی را تحت الشعاع قرار بدهد، بلکه باید با اظهار محبت مهیار شده، با کودکان رفتار کرد؛ چرا که در برخی از موارد، باعث فدا شدن مصالح بزرگ‌تری می‌شود و یا موجب سوء استفاده کودک و در اصطلاح عامیانه «لوس شدن» او می‌گردد. باید توجه داشت نوازشهای بدون حد و حصر و خارج از حد اعتدال، پیامدهای سوئی را در روان کودک بر جای می‌گذارد که پر توقعی، زود رنجی، ضعف در برابر مشکلات، ناامیدی، عقده حقارت، سرخوردگی از اجتماع و بسیاری فشارهای روانی دیگر، زاینده ارتباطات مهرآمیز افراطی با کودک است. امام باقر علیه السلام در این راستا می‌فرماید:

«سُرُّ النَّبَاءِ مَن دَعَاهُ إِلَى الْإِفْرَاطِ وَسُرُّ الْإِنْبَاءِ مَن دَعَاهُ التَّقْصِيْرُ إِلَى الْعُقُوْقِ؛<sup>۱</sup>

بدترین پدران، کسی است که در نیکی کردن [از حد اعتدال خارج شود و] به زیاده روی بگراید و بدترین فرزندان، فرزندی است که در اثر کوتاهی پدر و

۱. تاریخ یعقوبی، ابن ابی یعقوب، برگردان: محمد ابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۴۸۶.  
۲. شوری / ۴۹.



چگونه دیدی؟ پاسخ داد: هیچ مردی هیچ‌گونه خوبی در زنی نیافته مگر آنکه من همه آن را در همسر خود دیده‌ام؛ جز اینکه او در کاری به من خیانت کرده است.

امام پرسید: چه خیانتی؟ پاسخ داد: دختر به دنیا آورده. امام پرسید:

مگر تو از داشتن دختر ناراحتی؟ به درستی که خداوند بلند مرتبه و بزرگ فرمود: «نمی‌دانید که کدام یک از پدران و پسران سودشان به شما نزدیک‌تر است [و بیشتر به نفع شما هستند].»<sup>۳</sup>

در برخی موارد، دختران برتری نیز دارند. امام صادق علیه السلام فرمود: «الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ النَّبْتُونَ نِعْمَةٌ وَإِنَّمَا يُثَابُ عَلَى الْحَسَنَاتِ وَيُسْأَلُ عَنِ النَّعْمَةِ»<sup>۴</sup> دختران، نیکی و پسران، نعمت‌اند و همانا بر نیکیها، پاداش و از نعمتها، سؤال می‌شود.»

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، بیروت، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ص ۱۱۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۰؛ الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۸۲.  
 ۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۴، الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۸۲.  
 ۳. نساء / ۱۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۱؛ الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۸۲.  
 ۴. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۴؛ الفروع من الکافی، ج ۲، ص ۸۲.

اسلام شدیداً سنت ناپسند و جاهلی اکراه از دختر داشتن را رد می‌کند و بر خلاف افکار ظاهر بین که پسر را بیشتر دوست می‌دارند، در بعضی از موارد، دختر را برتر از پسر قلمداد می‌کند و دلیل آن را وجود پاره‌ای از ویژگیهای ذاتی که در درون آنهاست، تلقی می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

«نِعْمَ الْوَلَدُ الْبَنَاتُ مُلَطِّفَاتٌ مُجَهِّزَاتٌ مُؤْنِسَاتٌ مُبَارَكَاتٌ مُفْلِّئَاتٌ»<sup>۱</sup> دختران چه فرزندان خوبی هستند! مهربانی‌کنندگان، آماده به خدمت‌رسانی، یار و غمخوار [اعضاء خانواده]، با برکت و پاکیزه‌کننده [در خانواده برای پدر و مادر].»

و نیز فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْبَنَاتِ أَرْقَى مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ»<sup>۲</sup> خداوند متعال بر دختران مهربان‌تر است تا پسران.»

این مطلب از آن جهت است که روحیات آنان، لطیف‌تر و شکننده‌تر است.

همچنین روایت کرده‌اند: امام صادق علیه السلام به شخصی که در مدینه ازدواج کرده بود، فرمود: ازدواج خود را

**نخستین کار نیکی که  
شخص برای فرزندش  
انجام می دهد، این است که  
نام نیکو بر او بگذارد. پس  
شایسته است هر یک از  
شما، نام فرزند خود را نیکو  
قرار دهد.**

از فرزندان اسماعیل عليه السلام را از بند  
رهانیده است.<sup>۲</sup>

**آموزشهای دینی و تقویت مبانی  
اعتقادی کودک**

بدون تردید، «یادگیری» از  
مهم ترین فرآیندهای روانی است که  
زمینه های آن از سنین کودکی شکل  
می گیرد و به تدریج با بالا رفتن سن  
کودک، استعدادهای او نیز در این راستا،  
بیشتر شکوفا می شود. کودک به دلیل

همچنین به مردی که از دختردار  
شدن خود ناراحت بود، فرمودند:  
«به من خبر رسیده خدا به تو  
دختری داده، ولی موجب خشم و  
ناراحتی تو شده است. از او به تو زیانی  
نخواهد رسید. او گلی است که تو آن را  
می بویی و خدا روزی اش را خود  
فراهم می کند [و تو برای مخارج او به  
زحمت نمی افتی و روزی اش را با خود  
می آورد] و بدان که رسول خدا صلى الله عليه وسلم هم  
پدر دختران بودند [و بیشتر دختر  
داشتند].<sup>۱</sup>

اسلام با نظر به روایات لطیف  
دختر، به والدین دستور داده که در  
برخی از رفتارهای خانوادگی مانند  
تقسیم هدایا، دختران را مقدم شمارند.  
رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمودند:

«کسی که به بازار برود و برای  
خانواده اش چیزی به عنوان هدیه یا  
سوغات بخرد، همانند کسی است که به  
مستمندان صدقه می دهد [و اجری  
برابر آن می برد]؛ اما باید [به جهت  
رعایت روحیه لطیف دختر] ابتدا هدیه  
یا سوغاتی را به دختر بدهد؛ زیرا هر  
کس دخترش را شاد کند، گویی فردی

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۲؛ الفروع من

الکافی، ج ۲، ص ۸۲

۲. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۶؛ مستدرک

الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۸.

وجود حس قوی تقلید در او، تلاش می‌کند تا رفتاری همسان با والدین خود بازسازی کند. وجود این حس، کمک فراوانی به او در یادگیری می‌کند. والدین نیز باید از این حس قوی به سود فرزند خود بهره‌برداری کنند و با آموزشهای ابتدایی، کم‌کم زمینه‌های آشنایی با تعالیم دینی و مبانی اعتقادی به ویژه نماز را در او به وجود آورند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«هنگامی که کودک به سه سالگی رسید، «لا اله الا الله» را به او بیاموزید و او را رها کنید (همین مقدار کافی است)! وقتی هفت ماه دیگر گذشت، «محمد رسول الله صلی الله علیه و آله» را به او آموزش دهید و سپس او را رها کنید تا چهار ساله شود. آن‌گاه «صلوات» فرستادن را به او بیاموزید. در پنج سالگی به او سمت راست و چپ را آموزش دهید و قبله را نشان او داده، بگویید سجده کنند. آن‌گاه او را تا شش سالگی واگذارید؛ فقط پیش روی او نماز بخوانید و رکوع و سجود را یادش دهید تا هفت سالش هم تمام شود. وقتی هفت سالگی را پشت سر

گذاشت، وضو ساختن را به او تعلیم دهید و به او بگویید که نماز بخواند تا هنگامی که نه ساله شد، وضو و نماز را به نیکی فراآموخته باشد. و هنگامی که آن دو را به خوبی یاد گرفت، خداوند پدر و مادر او را به خاطر این آموزش آنها خواهد آموزد.<sup>۱</sup>

### آموزشهای لازم و ارتقاء سطح

#### بینش کودک

گذشته از ضرورت تعلیم کودک و آشنا کردن او با اصول اعتقادی، آموزشهای دیگری نیز - ولو در حد آشنایی - برای کودک در حال رشد ضروری است. اگر چه به دلیل رشد جوامع و مدرن شدن آن، خانواده برخی کارکردهای خود را از جمله آموزش و پرورش به دیگر نهادها واگذار کرده؛ اما اسلام واگذاری کامل آن را بر نمی‌تابد و بر این مبنا پا می‌فشارد که بذر این نهال باید توسط والدین پاشیده شود و علاقه به تحصیل و نیز کسب معرفت باید به وسیله آنان در کودک شکوفا گردد و همه آن را به

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

**کودکانتان را به دانش ما آموزش دهید که خداوند به وسیله آن به آنها سود می‌رساند، تا مرجئه [و منحرفان] با دیدگاه‌های خود، آنان را مغلوب نسازند**

نهادهای اجتماعی نمی‌سپارد. از جمله مهم‌ترین این تلاشها، ارتقاء سطح پیش و معرفت کودک است، تا کودک پیش از پا گذاشتن در متن جامعه و رو به رو شدن با انواع انحرافات و کج رویها، بُن مایه اعتقادات ناب را به دست آورده و ره توشه زندگی اجتماعی را گردآوری کرده باشد. امام صادق علیه السلام به جمیل بن ذرّاج فرمودند: «بَادِرُوا أَخْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمَرْجِيَّةُ»<sup>۱</sup> فرزندانان را با کلام [ما] آشنا کنید! پیش از آنکه مرجئه [و دیگر فرقه‌های منحرف عقیدتی] بر شما سبقت بگیرند [و آنان را منحرف سازند].»

و نیز فرمودند: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَأَتَغْلِبَ عَلَيْهِمْ

الْمَرْجِيَّةُ بِرَأْيِنَا»<sup>۲</sup> کودکانان را به دانش ما آموزش دهید که خداوند به وسیله آن به آنها سود می‌رساند، تا مرجئه [و منحرفان] با دیدگاه‌های خود، آنان را مغلوب نسازند.»

اهل بیت طهارت علیهم السلام همواره عنایت ویژه‌ای به آموزش فرزند و بالا بردن سطح درک و معرفت او نشان می‌دادند. نوشته‌اند: روزی امیر المؤمنین علی علیه السلام در دوره کودکی حضرت عباس علیه السلام، او را در برابر خود نشانید و به وی فرمود: بگو یک! عباس علیه السلام گفت: یک. [امام که می‌خواست شمردن را به او بیاموزد، فرمود: بگو دو! پاسخ داد: شرم دارم با زبانی که با آن، «یک» گفته‌ام [و به یگانگی خدا، شهادت داده‌ام]، بگویم دو. امام علیه السلام چشمان پسرش را بوسید و این موضوع علیه السلام، باعث شد که محبت او در دل امام بیشتر شود.<sup>۳</sup>

۱. همان، ج ۱۷، ص ۲۳۱.

۲. النخصال، ابن بابویه القمی الشیخ الصدوق، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۱۵۷.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۱۵.